

اسلامی و ساختار حکومت در فقه؛ ۴. جدایی میان حکومتها؛ ۵. شریعت و امت سالاری؛ ۶. منابع فقه حکومت: اجماع؛ ۷. تحول در اجماع و ساختار آن.

فصل دوم از چند بخش عمده زیر تشکیل شده است: ۸. تعریف خلافت و ویژگی های آن؛ ۹. اجماع در سنت و معتزله و شیعه؛ ۱۰. مذهب اهل سنت؛ ۱۱. مذهب معتزله؛ ۱۲. جمع بین مذاهب.

علیرضا امیری وحید

نیز نقش داشته اند.»

به همین دلیل شکوفایی و پویایی شرق در ذهن من همان شکوفایی اسلام است که به لحاظ تاریخی یکی از تمدنهای شرقی به شمار می رود.

این کتاب در دو فصل اصول اساسی و تعریف حکومت و ویژگی های آن تدوین شده است.

فصل اول کتاب از هفت بخش به شرح

زیر تشکیل گردیده است:

۱. شریعت و فقه و حقوق؛ ۲. قانون

اساسی و قانون در فقه؛ ۳. ساختار حکومت

## سنت روشنفکری اسلامی در ایران

Seyyed Hossein Nasr, *Islamic Intellectual Tradition in Persia*, Mehdi Amin Razavi(ed) (Britain: Curzon Press, 1996), 375 p.

سیدحسین نصر علاوه بر زندگی تحقیقی، با اغلب شکل‌های سنت روشنفکری و روحانی در ایران و سهم آنها در جهان اسلام سروکار دارد. نصر در غرب ابتدا به مطالعه فیزیک و زمین‌شناسی و بعد تاریخ علم و فلسفه می‌پردازد. پس از پایان تحصیلاتش در مؤسسه تکنولوژی ماساچوست و هاروارد کار می‌کند و سپس به ایران باز می‌گردد. در ایران در حالی که در دانشگاه تهران تدریس می‌کرد، به مطالعه فلسفه و حکمت با اساتید سنتی می‌پردازد، او قبل از انقلاب اسلامی رئیس دانشگاه صنعتی

مقالاتی که در این کتاب بوسیله مهدی امین‌رضوی (ویراستار) جمع‌آوری شده است چند سال توسط سیدحسین نصر در مورد سنت روشنفکری اسلامی در ایران نوشته شده است. این آثار که در مجلات و مجموعه‌های مختلف پراکنده بود، در این کتاب گردآوری شده است. این مقالات با یک مطالعه عمده در مورد آثار فلسفی در ایران از ابتدا فراهم آمده است و در اصل برای فهم بهتر تاریخ اندیشه کلی اسلام و سهم فلاسفه ایرانی در آن به نگارش درآمده است.

حقایق فراموش شده است و وظیفه فلسفه فراهم کردن یادآوری و آگاهی مجدد خودمان با واقعیاتی که مربوط به خودمان است، می باشد. نصر در این کتاب با تعریف کردن فلسفه به عنوان یک عمل مقدس به ما می گوید که هدف فلسفه شناخت حقیقت است که این حقیقت از نظر او خداست. بنابراین فلسفه یک طلب برای خرد الهی یا آنچه که نصر آن را "فلسفه نیل به معرفت اللہ بوسیله اشراق مستقیم"<sup>۱</sup> می نامید، است. به عبارت دیگر فلسفه فعالیت حقیقی عقل و نه فعالیت عقلی محض طبیعت بی نظم می باشد.

از آنجا که نصر فلسفه را وسیله ای می بیند که خدا را بخاطر می آورد، او تعمق فلسفی که به سخن درست می توان آن را "انسان شناسی فلسفی" نامید، ارائه می نماید. نصر در بحث های خود معتقد است که یک مطالعه فلسفی نباید فقط به جنبه های نامنظم محدود شود، بلکه باید شامل مطالعه تجلی مقدس نیز بشود. بنابراین هستی (وجود) انسان در اساس یک سفر روحانی است و باید درگیر یک تأویل روحانی شود که از طریق آن جایگاه اولیه را بیاد آورد. از این دیدگاه نصر اشکال مختلف زندگی و اندیشه اسلامی نظیر معماری، موسیقی یا فلسفه را تفسیر می کند. صرف نظر از

شریف بود. از جمله اساتید وی علامه سید عبدالحسن قزوینی و علامه سید محمد حسین طباطبایی بودند. او بیش از ۲۰ سال در زمینه فلسفه مطالعه نمود. معاشرت نصر با این اساتید و تعدادی از فلاسفه سنتی دیگر اثر ماندگاری بر جهت یابی فلسفی اش برجای گذاشت. آشنایی اولیه اش با آثار متافیزیسیتهای سنتی در غرب نظیر گونون و شوان قدرت بی همتای مقایسه آثار در زمینه متافیزیک را به او داد.

نصر پس از بازگشت از ایران در محیطی روشنفکری که از حقوقدانانی که فلسفه را به عنوان کفر می شناختند تا مدرنیستهایی که نیروی فلسفه سنتی را کاهش داده و مدافع فلسفه غرب، بویژه نظریات مارکس، سارتر و هایدگر بودند، قرار گرفت. به زعم ویراستار کتاب، نصر جوابی برای برخی از چالشها فراهم نمود، نه از طریق درگیر شدن در یک گفتگوی مستقیم با مروجین فلسفه غرب، بلکه با نشان دادن غنای سنت در فلسفه اسلامی و از نو سازمان دادن به دکتورین های فلسفه سنتی به زبانی که انسان مدرن بتواند آن را درک کند.

دیدگاههای فلسفی نصر تنها به عنوان یک فعالیت عقلانی محض نیست، بلکه به عنوان یک جستجوی ابدی می باشد و آرزوی هر فردی است که ریشه اصلی اش را پیدا کند. بنابراین برای نصر تعمق کردن، فرآیند یادآوری

1. Theosophia

معرفی و تنظیم می‌شود. بنابراین برای نصر، سنت روشنفکری ایران به ویژه که در دوره اسلامی شکوفا شد، یک مثال آشکار از خرد جاودان است که به مهم‌ترین سنتهای فلسفی غنی منجر می‌شود. این سنت فلسفی امروز زنده است و در ایران، همچنین شبه قاره هند و پاکستان عمل می‌کند و گواه زنده‌ای است که سنت فلسفه موثق ورای مسایل فلسفی معاصر که با مرور زمان تغییر می‌کند، قرار دارد و باقی می‌ماند.

دست تقدیر نصر طرفدار سنتی فلسفه اسلامی را به غرب آورد. برخلاف فلاسفه آکادمیک که با بحثهای معین سروکار دارند، دشواری کار نصر این است که ابتدا باید رنسانس جهان سنتی بطور کلی و به ویژه اسلام را معرفی کند و سپس پاسخ اسلامی برای چالشهای جهان مدرن تهیه نماید. آثار وی در این زمینه است.

نصر قبل از هرچیز یک متافیزیسم و هستی‌شناس است. او درخصوص هستی مطالعه می‌کند و همه جنبه‌های دیگر اسلام را با توجه به درکش از واقعیت هستی (وجود) تجزیه و تحلیل می‌نماید. او به معنای عقلایی کلمه فیلسوف نیست و آثارش طبقه‌بندی سنتی (حکمت، منطق، شناخت و غیره) را دنبال نمی‌کند. او در حد گسترده‌ای با اساس هستی‌شناسی که اسلام بر آن مبنا تأسیس شده سروکار دارد. همه مطالعاتش براساس

اینکه صوفیگری را به عنوان قلب و روح اسلام در نظر می‌گیرد.

به عقیده نصر تفسیر ویژه فلسفه چیزی جز حکمت نیست. او می‌گوید ترکیب عقل، شهود عقلانی و زندگی فلسفی، که جنبه عملی خرد را در بردارد، در چارچوب سنت می‌تواند به کمال (فضیلت) حقیقت‌غایی منجر شود. از دیدگاه نصر، حکمت این چنین تشریح می‌شود: سنت فلسفه که با تعالیم ادیس پیامبر شروع شد، از تمدنهای مختلف به ویژه ایران، مصر و یونان گذر کرده است. این سنت در ایران با تعالیم سهروردی، مکتب اشراق و بعد در حکمت متعالی ملاصدرا به اوج می‌رسد. این نوع از خرد براساس شهود عقلانی به عنوان خرد واقعی است نه دانشی که فقط بوسیله فلسفه اصالت عقل به آن نایل شده‌اند. نصر می‌گوید این سنت بوسیله حکمایی که حقیقت الهی را تجربه کرده‌اند، زنده نگه داشته می‌شود. براساس مکتب سهروردی، اشراق، ترکیب فلسفه اصالت عقل و شهود عقلانی، که از تطهیر درونی (باطنی) و اعمال زاهدانه (یا ریاضت) ناشی شده به دانش حقیقت‌غایی منجر می‌شود.

نصر همانند سهروردی معتقد است، فلسفه اصالت عقل یک تکلیف ضروری ایجاد می‌کند به شرط آنکه با تصفیه درونی و شهود عقلانی همراه باشد. بد زعم ویراستار روایات رموز سهروردی برای اولین بار بوسیله نصر

نصر، کلید فهم راه حل‌هایش به ثبات مسائل فلسفی است. از این جهت نصر می‌گوید: تداوم اندیشه فلسفه اسلامی یک نشانه از حق ابدی است که او و اسلافش را قادر می‌کند که همان منابع وحی را تجربه و تفسیر نمایند.

در خصوص تعلیم فلسفه در کشورهای اسلامی، نصر رهیافت محتاطانه‌ای در پیش می‌گیرد، او نیاز به آگاهی و مطالعه فلسفه اسلامی قبل از دیگر مکاتب و اندیشه‌های فلسفی تأکید می‌کند. در تعلیم فلسفه، نصر معتقد است، فلسفه اسلامی باید در مرکز قرار گیرد و دیگر مکاتب تفکر فلسفی در ارتباط با آن باشند. او از تعالیم فلاسفه قرون وسطایی مسیحی و یهودی نظیر بناونچر و ادامه این روند که در آثار شخصیت‌هایی چون گیلسون منعکس می‌شود، طرفداری می‌کند.

نصر کمتر از تعلیمات فلسفه غربی مدرن طرفداری می‌نماید؛ زیرا به زعم وی فلسفه غیردینی اغلب وابسته به انکار خداست. از نظر وی نهاد اندیشه روشنفکرانه غربی با روح زندگی و اندیشه اسلامی، که ارتباط ابتدایی آن (اندیشه اسلامی) نیل به حقیقت می‌باشد، متناقض است. در مورد فلسفه مقایسه‌ای، نصر معتقد است که نظم براساس ثبات نمی‌تواند با سنت فلسفی که هر چند دهه دستخوش تغییرات می‌شود، رویه‌رو شود. اگر چنین مواجهه‌ای صورت بگیرد، نتیجه‌ای نخواهد

هستی‌شناسی شکل می‌گیرد؛ زیرا او معتقد است، هر اندیشه‌ای ریشه‌ایی در هستی‌شناسی ویژه‌ای دارد. تفسیر وی از "هستی‌شناسی روحانی" اغلب بسته به محتوای اثر مورد نظر، شاعرانه است. نصر از تعلیمات استادان بزرگ فلسفه اسلامی از ابن‌سینا، سهروردی و ملاصدرا تا سبزواری استفاده می‌کند تا بطور دقیق نشان دهد چگونه دیدگاه اسلامی از هستی شامل هر شکل از زندگی و اندیشه اسلامی می‌شود. به نظر نصر هستی‌غایی، خدا، یک ذات دربرگیرنده دارد. موضوع تجزیه و تحلیل فلاسفه هنر علم در نهایت درباره او سخن گفته می‌شود.

ویراستار نقل می‌کند که از نصر پرسیده است: چرا وی به فلسفه عقلانی از نوعی که بعضی از اساتیدش به آن عمل کرده بودند، نپرداخته است؟ نصر جواب می‌دهد: "قصدم معرفی ماوراء الطبیعه سنتی فلسفه اسلامی به جهان اسلام است. دانش پژوهان نسل آینده وظیفه ارائه آثار تحلیلی که بیشتر در این زمینه به آن نیاز هست را به عهده خواهند گرفت." ویراستار دلیل عمیق‌تری برای فقدان علاقه به اتخاذ رهیافت عقلانی‌تر نسبت به مشکلات فلسفه وجود دارد. نصر معتقد نیست که مسائل وجود (مربوط به هستی) در نهایت فقط از طریق استدلال حل می‌شود، بلکه پاسخ در ترکیبی از تفکر، عقلانی کردن و درک روشنفکرانه نهفته است. در حقیقت راه فلسفی

بخش سوم بطور کامل به سهروردی، استاد و بنیانگذار مکتب اشراق در قرن ششم هجری قمری (۱۲ میلادی) اختصاص داده شده است که به اعتقاد نصر نقطه عطفی را در تاریخ فلسفه ایران مشخص می‌کند. در این بخش شرح داده می‌شود که چگونه سهروردی با تطبیق نظریه فلاسفه‌ای نظیر افلاطون و ارسطو و خرد ایران باستان در زمینه عرفان اسلامی به فلسفه در ایران جهتی جدید داده و آن را به کمال رساند، اوج این کمال در آثار ملاصدرا و مکتب اصفهان دیده می‌شود.

یکی از کمک‌های عمده سیدحسین نصر به احیای فلسفه در ایران علاقه وی به معرفی آثار سهروردی است، به ویژه در آثار وی به زبان فارسی که بعضی از فلاسفه نسل جوان را تحت تأثیر قرار داده است. همچنین ایرانیان امروزی با مطالعه آثار سهروردی دریافتند که چگونه فرهنگ اسلامی و ایران باستان و مذهبی که هویت آن با جلال امپراتوری ایران مشخص می‌شود، را به دو بخش تقسیم کنند.

بخش چهارم به معرفی شخصیت‌هایی که می‌توان آنان را به عنوان متفکران مستقل، طبقه‌بندی نمود، نظیر قطب‌الدین شیرازی، رشید الدین فضل‌الله و خیام که همگی دانشمند و فیلسوف بودند، اختصاص داده شده است. آنها همچنین پلی بین دوره سهروردی و عصر غنی فلسفی سلسله صفویه از قرن ۹/۱۵ م تا قرن

داشت، جز یک مقایسه سطحی که آن هم زمانی که تمرکز فلسفه غرب تغییر کند، بی‌رنگ می‌شود.

مقالاتی که در این کتاب جمع‌آوری شده است، بخش کوچکی از تحقیقی بارور در طول چهار دهه را ارائه می‌کند. این مقالات به تجزیه و تحلیل و تفسیر اندیشه اسلامی در کل و به ویژه میراث روشنفکرانه ایرانی می‌پردازد. این کتاب سایر آثار دیگر نصر به فارسی و دیگر زبانهای اروپایی در مورد فلسفه اسلامی را تکمیل می‌کند. بخش اول این کار به بررسی فلسفه در ایران به عنوان سنت زنده اختصاص داده شده است که شروع آن به ایران قبل از اسلام بر می‌گردد. فلسفه جهان‌بینی قبل از اسلام و در دوره ایران اسلامی، همچنین تحولات تاریخی سبک‌های روشنفکرانه اندیشه در این بخش ارائه شده است. پس از آن فعالیت‌های فلسفی در ایران مدرن و جایگاه صوفی‌گری و دوره طولانی علاقه ایرانی‌ها به این مکتب مورد بررسی قرار گرفته است.

در بخش دوم بنیانگذاران فلسفه اسلامی در ایران و سهم آنها در غنی‌سازی فرهنگی ایران مورد بحث قرار می‌گیرد. جایگاه و نظرات شخصیت‌هایی نظیر فارابی، ابن‌سینا، بیرونی و رازی همچنین نقش آنها در شکل دادن به اساس اندیشه روشنفکرانه برای هزاران سال بعد معرفی می‌شود.

۱۷/۱۱ م بودند.

بخش پنجم به دوره طلایی فعالیت‌های فلسفی ایران که دوره‌ای دوپست ساله است، می‌پردازد. مقالات آن نیز شامل مهم‌ترین دوره غنای تاریخ فلسفی در ایران می‌شود که به عنوان مکتب اصفهان شناخته می‌شود. نصر بطور دقیق تصویری از فلسفه بی‌نظیر این دوره که با میرداماد شروع می‌شود و در آثار ملاصدرا به ثمر می‌رسد، ارائه می‌کند. حکمت متعالیه ملاصدرا یکبار دیگر به وسیله حکمای دوران قاجار، بخصوص ملاهادی سبزواری احیا و منبع الهام فلاسفه ایرانی در دوران مدرن شد.

این کتاب شامل پنج بخش به شرح زیر است: ۱. اندیشه اسلامی و فرهنگ ایرانی؛ ۲.

فلسفه اسلامی در ابتدا؛ ۳. سهروردی و مکتب اصفهان؛ ۴. فلاسفه، شعرا و دانشمندان؛ ۵. فلسفه اسلامی اخیر؛ ۶. اندیشه اسلامی در ایران مدرن.

فلسفه ایرانی در دوران مدرن موضوع بخش آخر است. در این بخش دیدگاه‌های نصر در مورد فعالیت‌های فلسفی در طی دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی در ایران و اثر متقابل آن بر فلسفه اسلامی سنتی با جنبه‌های معینی از اندیشه روشنفکری ایران در جهان مدرن آورده شده است.

زیبا فوزین نیا

## درک آفریقای معاصر

Understanding Contemporary Africa; Edited by April A. Gordon & Donald h. Gordon Second edition/ Boulder London: Lynne Reinner Publishers/ 1996, 432 pp.

اولیه، عصر حجر و مملو از شکارچیان در جنگل می‌دانند. در کنار آن آفریقایی‌ها را مردمی وحشی و آدمخوار می‌دانند که بطور دائم در جنگ‌های قبیله‌ای بسر می‌برند. البته تصاویر دیگری نیز وجود دارد: آفریقایی‌ها به عنوان مردمانی بی‌گناه که از زندگی و تمدن قرن بیستم

اغلب مردم اطلاعات کمی درباره آفریقای زیرصحرای<sup>۱</sup> دارند. حتی فقط سهمی از اکثر مطالبی که آنها می‌دانند صحت دارد و بیشتر این مطالب نیز برگرفته از کلیشه‌های ناصواب و چارچوبها و مناهیم نادرست تاریخی هستند، همچنین قابلیت کمی برای درک و تفسیر دارند. معمولاً مردم عادی، آفریقا را سرزمین مردمان

1. Sub Sahara Africa